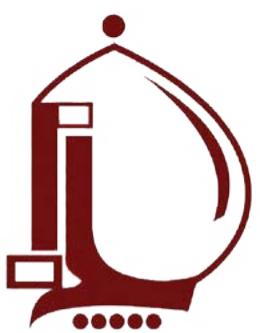
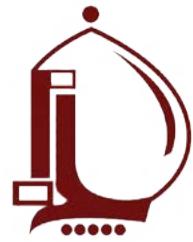


خبرنامه اطلاع رسانی داخلی
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
ویژه نامه شهادت امام جواد (ع)





معجزه امام(ع)

اسمعیل بن عباس هاشمی می گوید: روز عیدی خدمت حضرت محمد جواد(ع) رفت و به آن جناب از تنگی معاش شکایت کردم آن حضرت مصلای خود را بلند کرد و از خاک سبیکه ای از طلاق برگرفت یعنی خاک به برکت دست آن حضرت پاره طلای گداخته شد پس به من عطا کرد آن را به بازار بردم شانزده مثقال بود. (زندگانی حضرت جواد و عسکرین(ع)، مترجم: خسروی، ص ۳۶)

بعادی از سیره علمی

علم امام(ع) در بازخوانی اندیشه ها
سلسله امامان(ع) از جایگاه علمی و منحصر به فردی برخوردار بودند. مرور کوتاهی به زندگی امامان بزرگوار این نکته را به بودند. عدالت ایشان سرآمد فضائل اند که پیامبر(ص) در پاسخ به سوال عدالت ایشان مسعود از امامان از نسل حسین(ع) ... و از صلب علی(ع) فرزندش محمد ستوده شده به دنیا می آید که پاک ترین مردم از نظر خلقت و خوش خلق ترین آن هاست. (منتخب میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ص ۵۰) شایان توجه است که امام جواد(ع) نه تنها از نگاه شیعه بلکه در نگرش اهل سنت از قدر و منزلت بالای در ایمان، علم، بخشش، علم غیب و ... برخوردار بوده است.

آن زمان در مورد علم امام(ع) گویای این واقعیت می باشد. در این مجال به ذکر نمونه ای اتفاقی شود یکی از زیارتین و جالب ترین

جلوه های علم و فضل امام(ع) بازخوانی اندیشه ها می باشد. قاسم بن عبدالرحمان می گوید: «من رهسپار بغداد شدم. چون به آن جا رسیدم، مردم را دیدم که می دوند و نگاه می کنند و می استند. پرسیدم: چه خبر است؟ گفتند: این الرضاست. گفتم: باید او را بینم، او سوار بر قاطری نر یا ماده ظاهر شد. گفتم: از رحمت خدا به دورند، معتقدان به امامت را که می گویند: خداوند اطاعت این مرد را واجب ساخته است.

او به طرف من برگشت و گفت: ای قاسم بن عبدالرحمان «فَقَالُوا أَبَشَّرًا مَنَا وَاحِدًا نَتَّسِعُ إِنَّا إِذَا لَفِي ضَلَالٍ وَسُرْعًا» و گفتند: «ایا تنهای بشری از خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت، ما واقعاً در گمراهی و جنون خواهیم بود». (قمر/ ۲۴)

با خود گفت: به خدا جاودگر است! باز به طرف من برگشت و گفت: «أَلْقَى الذُّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنَ أَبْلَهُ كَذَابُ أَشْرُ». «ایا از میان ما [وھی] بر او القا شده است؟ [نه] بلکه او دروغگویی گستاخ است». (قمر/ ۲۵) قاسم گوید: من برگشتم و معتقد به امامت شدم و شهادت دادم که او حجت خدا بر خلق اوست و به وی اعتقاد پیدا کردم. (منتخب میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ص ۵۱)

استناد به قرآن

از روش های علمی امام استناد به قرآن بود. نمونه ای از آن در تفسیر عیاشی آمده است: «در زمان متعصب عباسی عوامل خلیفه، عده ای دزد را دستگیر کرده و از مرکز خلافت در مورد چگونگی مجازات آنان خواستار دستور بودند. خلیفه در مورد این حادثه حساس مجلس مشورتی تشکیل داد و از دانشمندان عصر، کیفیت اجرای حد شرعی را در مورد آنان خواستار شد. آنان گفتند: قرآن

سلامی به خورشید کاظمین

السلام علیک یا ابا جعفر محمد بن علی البر التقى الإمام الوفى السلام علیک یا ایها الرضى الزکى السلام علیک یا ولی الله السلام علیک یا نجى الله السلام علیک یا سفیر الله السلام علیک یا سر الله السلام علیک یا ضياء الله السلام علیک یا رحمة الله السلام علیک یا ایها النور الساطع السلام علیک ایها البدر الطالع السلام علیک ایها الطیب این الطیبین السلام علیک ایها الطاهر این الطاهرين السلام علیک ایها الایة العظیمی السلام علیک ایها الحجۃ الکبری السلام علیک ایها المطہر من الزلات السلام علیک ایها المنزه عن المضلالات السلام علیک ایها الغلی عن نقص الاوصاف السلام علیک ایها الرضى عند الاشراف السلام علیک یا عمود الدین السلام علیک یا ابن الائمه المقصومین اشهد انك ولی الله و حجته في ارضه و انك جنب الله و خير الله و مستودع علم الله و علم الانبياء و ركن الإيمان و ترجمان القرآن و اشهد ان من اتبعك على الحق والهدى و ان من انكرك و اتىك على العداوة على الضلاله والردى ابرأ إلى الله و اليك منهم في الدنيا والآخرة و السلام علیک ما يقيض و بقى الليل و النهار و رحمة الله و برکاته. (زاد المعاد - مفتاح الجنان، مجلسی، ص ۵۳۶ - ۵۳۷)

شمہ ای از ولادت امام (ع)

نهمین امام شیعیان امام جواد(ع) فرزند امام هشتم علی بن موسی الرضا(ع) و سبیکه نوبیه می باشد که در سال ۱۹۵ قمری متولد شد و در سال ۲۲۰ در سن بیست و پنج سالگی به شهادت رسید. (الكافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۹۲)

نام مبارک ایشان محمد با کنیه ابو جعفر می باشد البته کنیه مخصوص ایشان ابو علی است. از القاب مبارک ایشان می توان مختار، متوكل، متقدی، زکی، تقی، منتخب، مرتضی، قانع، جواد و عالم را یاد کرد. (مناقب آل أبي طالب (ع)، ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۴، ص ۳۷۹)

در باره فرزندان امام جواد (ع) اختلاف وجود دارد. اما آنچه همه منابع درباره ایشان اتفاق نظر دارند، این است که فرزندان ذکور ایشان امام هادی(ع) و ابو احمد موسی، ملقب به مبرقع از مادری به نام سمانه مغربیه بوده است. (رهوارد خرد، اتابکی، ص ۴۹۴)

اجمالی بر ادوار زندگی امام (ع)

زندگی امام جواد(ع) نیز مانند سایر ائمه(ع) با فراز و نشیب هایی همراه بوده است. که نگاهی به سیره ایشان این مهم را بازگو می کند. در عین حال منش و کرامت انسانی برگرفته از سرشت الهی و قرآنی بر آن سایه افکنده و به نوعی از وجود آن امام همام جدا نایبیز بوده است. وقایع مهم زندگی امام(ع) شامل عزیمت امام رضا از مدینه به خراسان به اجبار مأمور، شهادت امام رضا(ع)، فراخوانی امام به بغداد، ادواج با دختر مأمور، بازگشت امام از بغداد به حجاز، وفات مأمور، به خلافت رسیدن معتصم، فراخوانی دوباره امام به بغداد به فرمان معموق، توطنده های معتصم عباسی، ام الفضل و جعفر بن مأمور علیه امام و مسحوم شدن امام به دست همسرش می باشد. (رک: راسخون نت)

مهم ترین و حساس ترین مرحله از زندگی امام(ع)، امامت ایشان می باشد که با دلایلی مانند حدیث لوح و نص صریح از حضرت رضا (ع) وارد شده است. (الإرشاد فی معرفة حجج الله على العباد، مفید، ج ۲، ص ۲۷۴ - ۲۷۵)

از دیگر ادوار مهم زندگی امام محمد تقی(ع)، ازدواج ام الفضل دختر مامون با ایشان بود که جنبه سیاسی داشت. مامون از این مقوله پدر بزرگوارش امام جواد(ع) داشت. حضرت به اصحابش فرمود: «قَدْ وُلِدَ لِي شَبِيهٌ مُوْسَى بْنُ عَمْرَانَ فَالْقَبْلَةُ طَاهِرَةٌ مُطْهَرَةٌ»، «امش پسری شبیه حضرت موسی بن عمران که دریاها را شکافت برای من متولد شده است از بانوی پاک؛ زیرا که او طاهره و مطهره خلق شده». (بحار الانوار، مجلسی، ج ۵، ص ۵۰)

علاقة شدید پدر به پسر

در رابطه با انس و علاقه شدیدی که امام رضا(ع) نسبت به فرزند پدر بزرگوارش امام جواد(ع) داشت. حضرت به اصحابش فرمود: «قَدْ وُلِدَ لِي شَبِيهٌ مُوْسَى بْنُ عَمْرَانَ فَالْقَبْلَةُ طَاهِرَةٌ مُطْهَرَةٌ»، «امش پسری شبیه حضرت موسی بن عمران که دریاها را شکافت برای من متولد شده است از بانوی پاک؛ زیرا که او طاهره و مطهره خلق شده». (بحار الانوار، مجلسی، ج ۵، ص ۵۰)



شکل غیر مستقیم و یا مخفیانه به خود می‌گیرد.

در این راستا امام(ع) از روش‌های آگاه سازی جامعه همراه با تلقیه اعزام نماینده به نقاط مختلف، تشکیل جلسات سری، نفوذ در دستگاه حاکمه، مکاتبه با نمایندگان اعزامی استفاده می‌کرد (رک: سایت تخصصی تاریخ اهل بیت) قابل توجه می‌باشد که مذهب معترله و فرقه اهل حدیث که مجسمی مذهب بوده و خدا را جسم می‌پنداشتند، نیز در این دوران مطرح بوده که امام جواد(ع) نسبت به این فرقه فرمود: «اجازه ندارند پشت سر هر کسی که خدا را جسم می‌داند، نمازگزارده و به او زکات بپردازند». (التوحید، ابن بابویه، ص ۱۰۱)

توجه به عملکرد اصحاب

نقش امام جواد(ع) در بسط فرهنگ ناب تشویق شایان توجه می‌باشد. نمونه‌ای از این تلاش‌ها در تعیین کارگزاران و وکلا در مناطق مختلف بوده است. که هر یک از آن‌ها دارای مسئولیتی بودند. حضرت نیز نسبت به عملکرد آن‌ها نظارت داشته‌اند. همان طور که ایشان در نامه‌ای به ابراهیم بن محمد امر می‌کند که تا وقتی «یحیی بن ابی عمران» زنده است نامه را نگشاید. پس از چند سال که یحیی از دنیا می‌رود ابراهیم بن محمد نامه را می‌گشاید که حضرت در آن به او خطاب کرده بود که مسئولیت‌ها و کارهایی که به عهده یحیی بن ابی عمران بوده از این پس بر عهده توست. (بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۰، ص ۳۸)

شهادت امام جواد (ع)

امام(ع) در سال ۲۲۰ق به شهادت رسید. (الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مفید، ج ۲، ص ۲۷۰) در این باره از امام رضا(ع) نقل شده است که ایشان فرمود: «فرزندم به ناحق به شهادت می‌رسد. اهل آسمان برای او می‌گریند و خداوند متعال بر دشمن او و کسی که بر او ستم روا داشته است، خشم می‌گیرد و طولی نمی‌کشد که او را بعذاب در دنکاری متلاطمی کند». (بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۰، ص ۱۵)

در باب کیفیت شهادت امام جواد(ع) اقوال مختلف وجود دارد من جمله این که در بخار الانوار آمده است که معتقد خلیفه عباسی برادر مأمون و عمومی ام فضل دختر مأمون، پیوسته نقشه‌هایی را برای به شهادت رساندن امام جواد(ع) اجرا می‌کرد و در این زمینه با ام فضل نیز همدست شده بود که امام(ع) را مسحوم کنند. (بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۰، ص ۱۶)

در روایتی دیگر نیز نقل شده است که «بعد از آنکه معتقد امام را به بخداد طلبید... به وسیله اشناس شربیتی از پرتفقال برای امام فرستاد و اشناس به او گفت: پیش از شما امیرالمؤمنین به احمد بن ابی داود و سعید بن خضیب و گروهی از بزرگان از این شربیت نوشانیده و امر کرده است شما هم آن را با آب یخ بنشویید. این را گفت و یخ آماده کرد. امام فرمود: در شب آن را می‌نوشم. اشناس گفت: باید خنک نوشیده شود و الان یخ آن آب می‌شود و اصرار کرد و امام(ع) با علم به عمل آنان، آن را نوشید. (بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۰، ص ۸)

قلب سليم». (کشف الغمة فی معرفة الأئمہ، اربلی، ج ۲، ص ۳۴۹)

موقعیت شناسی

توجه به موقعیت و شرایط عامل کامیابی انسان‌ها می‌باشد. امامان(ع) نیز نسبت به این امر توصیه‌های فراوانی داشته‌اند. امام محمد تقی(ع) در این باره فرمود: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ الْمُوَارِدَ أَعْيُّهُ الْمُصَادِرِ»، «هر کسی موقعیت شناس نباشد، جریانات او را می‌ریابد و هلاک خواهد شد». (اعلام الدين فی صفات المؤمنین، دیلمی، ص ۳۰۹)

پرهیز از:

تا خیر در امور

تا خیر و به عقب انداختن امور موجب نابودی انسان می‌شود. امام جواد(ع) در این زمینه به آیه «فَأَمِنُوا مُكْرَرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمُنُ مُكْرَرَ اللَّهِ إِلَّا الْقُوْمُ الْخَاسِرُونَ»، «ایا از مکر خدا خود را ایمن دانستند؟ [با آنکه] جز مردم زیانکار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند». (اعراف/۹۹) استناد کردن و فرموند: «تَأْخِيرُ التَّوْتَةِ اغْتِرَّاً وَ طُولُ التَّسْوِيفِ حَبَرَهُ وَ الْاعْتَلَالُ عَلَى اللَّهِ هَلَكَهُ وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ أَمْنٌ لِمُكْرَرِ اللَّهِ- فَلَا يَأْمُنُ مُكْرَرَ اللَّهِ إِلَّا الْقُوْمُ الْخَاسِرُونَ»، «تأخر در توبه، خود را فریب دادن است و امروز و فردا کردن زیاد، باعث سرگردانی است و پیامد عذرناشی برای خدا، هلاکت است و پافشاری بر گناه در اثر آسوده خاطر بودن از مکر خداست «و از مکر خدا آسوده خاطر نباشد مگر کسانی که زیانکارند». (تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص ۴۵۶)

دوستی با نا اهل

دوستی به جهت ارتباط صمیمانه‌ای که با انسان برقرار می‌کند. در سرنوشت وی و به عبارتی در سعادت و شقاوتش نیز تاثیرگذار است از این رو امام(ع) فرمود: «إِيَّاكَ وَ مُصَاحَبَةَ الشَّرِيرِ، فَإِنَّهُ كَالْسَّيِّفُ الْمُسْلُولُ، يَحْسُنُ مَنْظُرُهُ وَ يَقْبُحُ أَثْرُهُ»، «از رفاقت و دوستی با انسان‌های بد به شدت پرهیز کن، زیرا انسان شریر مانند شمشیر برخنه است که ظاهر زیبا و اثمار زنده دارد». (نزهه الناظر و تنبیه الخاطر، حلوانی، ص ۱۳۶)

برخی کوتاهی ها

گاهی کوتاهی انسان در طول عمر و در شرایط خاصی، صدمات جریان ناپذیری را بر وی وارد می‌نماید که به تبع ابعادی از زندگی وی را پوشش می‌دهد. در سخن امام محمد تقی(ع) به این نوع کوتاهی‌ها اشاره شده که: «هر که در سه چیز کوتاهی کند ناکام گردد، بخشش جوئی از جواد، همنشینی با عالم، جلب توجه و مهر سلطان». (تحف العقول، مترجم: کمره‌ای، ص ۳۲۸)

گذرنی بر روش امام در سیاست

در دوران امامت جوادالاائمه(ع) فضای جدیدی از شباهات که مورد حمایت مأمون و عمومی ام فضل دختر مأمون، پیوسته نقشه‌هایی را برای به شهادت رساندن امام جواد(ع) اجرا می‌کرد و یخ آماده کرد. امام فرمود: در شب آن را می‌نوشم. اشناس گفت: باید خنک را به کار گیرد. مانند تقهیه که به تاکتیک مبارزه مخفی معروف بود و یکی از شیوه‌های مبارزاتی ائمه(ع) علیه دشمنان دین بوده که

در این مورد بهترین راه کار است، آن جا می‌فرماید: «إِنَّمَا جَزَّاً الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقْلِلُوا أَوْ يُصَلِّبُوا أَوْ يُنْقَطَعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلَافٍ أَوْ يُفْعَوْ مِنَ الْأَرْضِ ...»، «سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می‌جنگید و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بردار آویخته گرندند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمنی تبعید گرندند...». (مائده/ ۳۳)

آنان به خلیفه پیشنهاد کردن طبق این آیه یکی از کیفرهای فوق را در مورد تبهکاران انتخاب کد. معتصم عباسی در همان جلسه از امام نیز نظر خواست. آن حضرت اول از اظهار نظر خودداری کرد، اما وقتی که با اصرار خلیفه مواجه شد، نظر خود را چین اعلام کرد: ایشان در استدلال به آیه خطاب کردند. استنبط حکم شرعی از این آیه دقت بیش تری می‌طلبد و باید تمام جواب مسأله در نظر گرفته شود و نسبت به جرم‌های مختلف کیفرها فرق می‌کند؛ زیرا این مسأله صورت‌های مختلف و احکام جداگانه دارد:

اگر این راهزنان فقط راه را نا امن کرده اند و نه کسی را کشته و نه مالی را به غارت برده اند، مجازات آنان فقط حبس است و این همان معنی «نفی الارض» است.

اگر راه را نا امن کرده و افراد بی‌گناهی را کشته اند، اما به مال دیگران تجاوز نکرده اند، مجازات آنان اعدام است.

اگر امنیت را از راه‌های عمومی سلب کرده، انسان‌های بی‌گناه را کشته و مال مردم را نیز به غارت برده اند، کیفر آنان باید سخت تر باشد، یعنی اول دست و پایشان را به عکس هم دیگر قطع می‌کنند، سپس به دار مجازات آویخته می‌شوند. معتصم این نظریه را پسندید و به عامل خود دستور داد که طبق نظر امام جواد(ع) عمل کند. (كتاب التفسير، عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵)

شاگرد پروری

با توجه به کتریل شدید فعالیت‌های ایشان توسط دستگاه خلافت، فعالیت در این زمان محدود بود و از این جهت تمداد راویان و پرورش یافگان مکتب آن حضرت نسبت به زمان امام صادق (ع) کاهش داشت.

در بین اصحاب جوادالاائمه(ع)، افرادی بودند که به واقع امام را در کرده و بعضی از آن‌ها به درجه ای از تقوا و فضیلت رسیدند که مورد غبطة قرار گرفتند و به منزلتی دست یافتند که مورد تعجب همگان بودند. بعضی نیز از طریق مکاتبه با ایشان در ارتباط بودند. در این مجال به نام تعدادی از شاگردان امامان(ع) اشاره می‌شود که عبارتند از: ابراهیم ابی البالاد کوفی، ابراهیم مهیار اهوازی ابو اسحاق، ابراهیم بن ابی شییه الاصبهانی، ابراهیم بن عقبه و ... (زندگانی امام جواد(ع) از ولادت تا شهادت، قزوینی، ص ۸۳ - ۸۷).

اهتمام امام(ع) به مکارم اخلاقی

الگوی جوان

در بیان مقام معظم رهبری آمده است که: «زندگی امام جواد(ع) هم الگوست. امام جواد(ع) امامی با آن همه مقامات، با آن همه عظمت - در بیست و پنج سالگی از دنیا رفت. این نیست که ما بگوییم؛ تاریخ می‌گوید؛ تاریخی که غیر شیعه آن را نوشته است. آن بزرگوار، در دوران جوانی و خردسالی و نوجوانی، در چشم مأمون و در چشم همه، عظمتی پیدا کرد. این‌ها چیزهای خیلی مهمی است؛ این‌ها می‌توانند برای ما الگو باشند». (گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان، ۱۳۷۷/۰۲/۰۷)

عزمتمندی

امام محمد تقی(ع) در مورد عزمت مونمانه فرمود: «عِزُّ الْمُؤْمِنِ غَنَّاهُ عَنِ النَّاسِ»، «عزمت مونمن در بی نیازی از مردم است. (نزهه الناظر و تنبیه الخاطر، حلوانی، ص ۱۳۷)

راه های جلب محبت دیگران

محبت به دیگران از اهمیتی برخوردار است که ایشان فرمود: «ثَلَاثُ خَصَالٍ تَجْتَلِبُ بِهِنَّ الْمُبَحَّبَةِ الْإِنْصَافُ فِي الْمُعَاشَةِ وَ الْمُؤْسَأَةِ فِي الشَّدَّةِ وَ الْإِنْطَوْاعِ وَ الرُّجُوعُ إِلَى قُلْبِ سَلَیْمِ»، «با سه چیز می‌توان محبت دیگران را جلب نمود: انصاف داشتن در برخوردها، همدردی با دیگران در سختی‌ها و راحتی‌ها و داشتن